

از جنگ کامبوجیا باید درس گرفت

نویسنده: ویلیام گودفلو / ترجمه: جاعلی شکرعلیزاده



مذکره می کرد. دین در ابتدا فکر می کرد او را مانند ماموریت لائوس به کامبوجیا فرستاده است اما بعداً متوجه شد که ریس او کیسینجر علاقه ای به مذاکره ندارد. پس از رسیدن به پنوم پن در آخر مارچ ۱۹۷۴ دین شروع به ارسال تلگرام به وزارت امور خارجه کرد و خواستار مذاکره با شاهزاده نورودوم سیهانوک که تحت تسلط شورشیان بود شد. دین پیشنهاد کنفرانس بین المللی صلح کامبوجیا برای ایجاد حکومت ایتلافی داد. در همان زمان جنگی در گرفت که در یک روز یک هزار سرباز کشته و یا زخمی شدند و بیش از نیمی از جمعیت آواره گشتند. دین دید که تنها گزینه جایگزینی یعنی تشکیل دولت ایتلافی، برای جلوگیری از سقوط دولت مورد حمایت امریکا چطور شد است. من دو ماه آخر جنگ یعنی ۱۲ آوریل ۱۹۷۵ همراه با سفیر ایالات متحده امریکا جان کانتر دینن جهت تحقیقات جنگ در کامبوجیا بودم. قبل از ورود به کامبوجیا دین به عنوان کاردار تازه وارد در سفارت امریکا در لائوس خدمت می کرد، او در مورد توافقنامه صلح بین دولت مورد حمایت امریکا و حکومت کمونیستی

کنند. اما نتیجه برعکس شد، شورشیان افزایش پیدا کردند. بیسن اکتبر ۱۹۶۵ تا اگست ۱۹۷۳ امریکایی ها ۲۷۵۶۹۴۱ (دو میلیون و هفتصد و پنجاه و شش هزار و نهصد و چهل و یک) تن بمب بر روی کامبوجیا ریختند بیشتر از مقداری که متحدین در جنگ جهانی دوم بر سر اروپا ریختند. در آغاز کمپین مخفی حمایت از بمباران در ایالات متحده در سال ۱۹۶۵ تعداد اعضای خمر سرخ (شورشیان کامبوجیا) که اکثر آنها از دانشجویان سابق دانشگاه بودند به زمت به ۱۰۰۰۰ می رسید. در بهار ۱۹۷۵ تعداد شان از ۷۰۰۰۰ نفر تجاوز کرد. در حال حاضر هم با وجود سرکوب شورشیان طالب هر روز یه تعداد آنها افزوده می گردد و تعداد آنها نسبت به سال های اول جنگ بیشتر شده است. من دو ماه آخر جنگ یعنی ۱۲ آوریل ۱۹۷۵ همراه با سفیر ایالات متحده امریکا جان کانتر دینن جهت تحقیقات جنگ در کامبوجیا بودم. قبل از ورود به کامبوجیا دین به عنوان کاردار تازه وارد در سفارت امریکا در لائوس خدمت می کرد، او در مورد توافقنامه صلح بین دولت مورد حمایت امریکا و حکومت کمونیستی

جنگ افغانستان راه حل نظامی ندارد، برای پایان دادن به کشمکش با طالبان از تاریخ باید درس گرفت. ویلیام گودفیلو مدیر اجرایی مرکز سیاست بین المللی و هماهنگ کننده گروه مطالعه افغانستان است که خود یکی از محققان جنگ هست و در جنگ خونین کامبوجیا حضور داشته می گوید، می شود از تاریخ به عنوان معلم درس گرفت، و از تکرار اشتباهات جلوگیری کرد، او عملکرد امریکا در افغانستان و شیوه برخورد با طالبان را با شیوه های برخورد امریکا با خمرهای سرخ در کامبوجیا مقایسه می نماید. این ماه ۱۵ سالگی جنگی را یادآوری می کند که امریکا ۱۵ سال پیش در افغانستان شروع کرده بود. باراک اوباما قول داده بود به این جنگ قبل از ترک کاخ سفید خاتمه بدهد، اما امریکا را بیشتر درگیر جنگ نموده است. برای اولین بار از سال ۲۰۰۶ پنتاگون نیروهای ویژه برای حمایت از نظامیان افغانستان اعزام کرده بود و نیز بمب افکن بی-۵۲ را برای سرکوب شورشیان طالب به افغانستان به پرواز در آورد. این حملات موقتا حرکات طالبان در ولایت هلمند را کندتر ساخت، استراتژی مباردها مان ظاهرآ نتوانسته است این نیروی شورشگر افراطی را شکست دهد، آنها مناطقی را به خاطر حکومت ضعیف و غرق در فساد و جنجال های درونی بر سر تقسیم قدرت به کنترل خود در آوردند. ناتوانی های امریکا در شکست شورشیان در چهل سال گذشته می تواند درسی باشد که برای ختم جنگ در افغانستان به کار گرفته شود. در کشور کامبوجیا یک ارتش از شورشیان وحشی در حال گسترش بود به تدریج امریکا را از حمایت پنوم پن (نام پایتخت کامبوجیا یا همان کمبودی) خسته کرده بود. رچارد نیکسون رئیس جمهور و هنری کسینجر وزیر امور خارجه معتقد بودند که بمباران بی-۵۲ می تواند شورشیان را شکست دهد. عینا کاری که در حال حاضر نیروهای امریکایی با طالبان می

تشدید تهدیدها علیه دولت وحدت ملی

محمد رضا هویدا

آمار دقیقی از شمار جنگجویان مخالف دولت افغانستان وجود ندارد، همان گونه که در دیگر زمینه ها نیز آمار دقیقی در دسترس دولت افغانستان نیست، اما تخمین های کارشناسان ملل متحد در یک گزارش جدید نشان می دهد که ۴۵ هزار جنگجوی مخالف در افغانستان وجود دارند که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد آنان خارجی می باشند. خارجی ها بیشتر مربوط به گروه القاعده می شود که در گذشته حضور داشته و از متحدان اصلی طالبان بوده و در این اواخر روابط میان این گروه و طالبان گسترش یافته است. حضور این شمار جنگجوی طالبان و القاعده در افغانستان، بعد از حضور نظامی دهها کشور در افغانستان و مصرف ده ها میلیارد دلار در کشور نکات ذیل را به وضوح بیان می کند:

۱. جنگ افغانستان، جنگی فراتر از یک کشور است. بازیگران این جنگ محصور به گروه های سیاسی، اجتماعی، قومی و ... در داخل افغانستان نیست، بلکه این جنگ یک جنگ فراکشوری است، که سازمان های استخباراتی، کشورها و قدرتها مختلف منطقه ای و جهانی در آن دست دارند. هر چند کشورهای همسایه و دور و نزدیک افغانستان به راحتی ادعای مبارزه با این گروه و قرار گرفتن در کنار دولت افغانستان را دارند ولی این کشورها مبارزه ای جدی علیه پدیده تروریسم در افغانستان انجام نداده نمی دهند.
۲. حضور ده ها هزار نیروی نظامی بین المللی، در نبود هماهنگی و استراتژی مبارزه علیه تروریسم بین المللی، در حقیقت شکست خود را تجربه می کند. جنگ و کار بدون استراتژی چیزی برای افغانستان به بار نیاورده است. اکنون جامعه جهانی و دولت افغانستان تقریباً در همان جایگاهی ایستاده اند که سالها قبل ایستاده بودند. ده ها هزار جنگجوی مسلح، در حالی می جنگند که جغرافیای جنگ نیز وسعت نگران کننده ای یافته است. امن ترین ولایات افغانستان حالا تبدیل به نامن ترین ها و میدان جنگ های شدید میان نیروهای درگیر شده است.
۳. هزینه ای که این تعداد طالبان را در میدان جنگ نگهدارد، پول کلانی است که مطمئناً قدرتهای مختلف برای حفظ منافع خود می پردازند. نزدیک به پنجاه هزار نفر که بخشی از آنها نیز جنگجویان خارجی هستند، در کشور می جنگند. این شمار نیاز به بودجه ای هنگفتی دارد که با توجه به منابع محدود داخلی طالبان، امکان ندارد. حفظ و بقای چنین لشکری به بودجه کلان و حمایت های کشورهای مختلف دارد.
۴. ناکارآمدی روش های مبارزه با تروریسم توسط دولت افغانستان نیز در این گزارش روشن می شود. در سالهای آغازین بعد از سقوط طالبان جمعیت طالبان بسیار کمتر از آنچه امروز گزارش شده، بود. حدود چهارده سال جنگ تمام عیار علیه طالبان، شنیدن چنین آمار برای مردم افغانستان شوک آور است.
۵. پشت پرده حضور نزدیک به پنجاه هزار نیروی شبه نظامی مسلح، حتماً نیروهای دیگری وجود دارد. به این معنا که زمینه حضور این شمار نیروی شبه نظامی در افغانستان بدون زمینه ها و بستری داخلی، ممکن نیست. فراگنی ها در دولت های گذشته و حال افغانستان، تصویری غیر واقعی از افغانستان در ذهن شهروندان و افکار عمومی جهانی به وجود آورده است که گمان می برند، مشکلات افغانستان تنها از خارج از افغانستان وارد می شود. در حالی که زمینه های حضور داخلی و نیروهای مختلفی که زمینه حضور را فراهم می کنند، در گسترش جنگ و بی ثباتی نقش تعیین کننده ای داشته است.
۶. در نهایت اینکه دولت افغانستان در مقابل این حجم از مشکل، چه برنامه ای دارد؟ برنامه هایی که از سوی دولت اعلام می شود، باید مطابق با حجم مشکل باشد. تکیه بر چند برنامه وزارت های دفاع و داخله راه به جایی نمی برد. برنامه های زیربنایی و اصولی که بتواند افغانستان را از این وضعیت نجات دهد، قبل از هر چیزی نیاز وحدت فکر و نظر در سطوح مختلف دولت، خصوصاً در سطوح رهبران دولت وحدت ملی دارد.

علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی و راه های پیشگیری از آن

محمد فولادی/قسمت سوم و پایانی



تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی های آن اسیر می شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود.

۹. فقر فرهنگی و تربیت نادرست
- از دیگر عواملی که موجب سقوط یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سوادی و یا کم سوادی اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده و به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم همخوانی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتیاق به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه از تکاب انواع جرایم آنان را دوجندان می کند.
- تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می شوند. تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می کند و با ایجاد بحران های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس العمل های منفی نظیر سرتخت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می دهد. همان گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می تواند عامل بروز ناهنجاری های رفتاری در فرزندان شود. توجه بیش از حد متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می تواند زمینه بروز ناهنجاری های رفتاری در آنان شود.
۱۰. رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه های آسیب های اجتماعی مختلف شده است. نقش رسانه های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است.

های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایابی را در فرزندان فراهم می سازد. این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش بر آیند.

۷. دوستان ناباب
- گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد تا تأمین نیازهای زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید.
۶. فقر و مشکلات معیشتی
- در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و از تکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و ... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی

دارد، و مورد تأکید قرار گرفته است. ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است. همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند.

۵. بی کاری و عدم اشتغال
- از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و مجروری افراد یک جامعه است. بی کاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند.
- علاوه بر این، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید.
۶. فقر و مشکلات معیشتی
- در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و از تکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و ... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی

روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند. در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و ... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای مواج اجتماع، گرفتار نامالیامات می شوند.

۳. طرد اجتماعی
- چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند.
۴. نوع شغل
- از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper